

نقدی بر دستور زبان فارسی معاصر

ژیلبر لازار، ترجمه مهستی بحرینی. تهران: هرمس، ۱۳۹۳. چاپ سوم، ۳۳۴ صفحه.

حسین محمدی^۱

۱. معرفی کتاب

کتاب دستور زبان فارسی^۲ یا به تعبیر رایج دستور زبان لازار، ترجمه‌ای است از اصل فرانسوی کتاب با عنوان *Grammaire du persan contemporain*^۳ که در سال ۱۹۵۷ به قلم ژیلبر لازار به‌رشته تحریر درآمد و در همان سال در فرانسه به چاپ رسید. برگردان انگلیسی آن نیز با عنوان *A grammar of contemporary persian* در ۱۹۹۲ در ایالات متحده آمریکا به چاپ رسید. ژیلبر لازار دانشمند ایران‌شناس و زبان‌شناس فرانسوی است که تاکنون کتاب‌های متعددی درباره‌ی زبان و ادب فارسی نگاشته است و از آثار فارسی نیز ترجمه‌های معتبری به فرانسه منتشر کرده است. جدیدترین نوشته‌ی وی درباره‌ی زبان فارسی، مقاله‌ای است با عنوان فارسی که در *Compendium Linguarium Iranicarum*^۴ زیر نظر رودیگر اشمیت منتشر شده است. باری، کتاب دستور زبان فارسی را مهستی بحرینی به فارسی برگردانده است و هرمز میلانیان همان‌طور که در اثر اصلی با لازار

۱. استادیار دانشگاه گنبد کاووس.

۲. لازار، ژیلبر (۱۳۹۳). دستور زبان فارسی معاصر. ترجمه مهستی بحرینی، با توضیحات و حواشی هرمز میلانیان. تهران: انتشارات هرمس.

3. Lazard, Gilbert (1957). *Grammaire du persan contemporain*. Paris: Librairie C. Klincksieck. II. Rue de Lille. II.

4. Gilbert Lazard (1991). *A Grammar of Contemporary Persian*. Translated by Shirley A. Lyon. California: Mazda Publishers in association with Bibliotheca Persica.

5 Schmitt, Rüdiger. (1939). *Compendium Linguarum Iranicarum (CLI)*. Wiesbaden: Dr. Ludwig Reichert Verlag (LV).

برگردان فارسی کتاب اشمیت با مشخصات زیر به چاپ رسیده است:

اشمیت، رودیگر. (۱۳۹۰). راهنمای زبان‌های ایرانی. ترجمه: آرمان بختیاری و دیگران. زیر نظر حسن رضایی باغبیدی. تهران: انتشارات ققنوس.

همکاری داشته، بر این کتاب نیز توضیحات و حواشی به‌صورت پانویس نوشته است و برخی ابهام‌ها و کمبودهای کتاب را جبران کرده است. همچنین نویسنده در بخش یادداشت مترجم اظهار می‌کند که در ترجمه خود از تغییرات اعمال‌شده در برگردان انگلیسی کتاب نیز بهره برده است. ترجمه فارسی کتاب را در سال ۱۳۹۳ انتشارات هرمس در شمارگان ۱۰۰۰ نسخه به چاپ سوم (چاپ اول ۱۳۸۹) رسانده است.

این اثر در قالب چهار فصل، سه یادداشت و یک پیش‌گفتار سامان یافته است. فصل اول با عنوان نظام آوایی و خط در دو بخش مجزا به نظام آوایی و خط فارسی می‌پردازد. در بخش نظام آوایی، موضوعاتی همچون آواها، آرایش واج‌ها و تکیه و آهنگ صدای زبان فارسی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. در بخش خط، به خط و الفبای فارسی نگاهی گذرا شده است. فصل دوم با عنوان صرف، که بیشترین حجم کتاب را تشکیل می‌دهد، به مقولات صرفی همچون اسم، صفت، قید، ضمائر، فعل و ادات پرداخته است. در این فصل تمامی جوانب و نکات و استثنای صرفی زبان فارسی به همراه مثال‌هایی دقیق و به‌جا کاملاً پوشش داده شده است. فصل سوم با عنوان نحو در قالب دو بخش جمله ساده و مرکب، مسائل نحوی زبان فارسی را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. در نهایت فصل چهارم با عنوان روند شکل‌گیری واژه‌ها به شکل‌گیری اسم‌ها و افعال می‌پردازد. گفتنی است که به خاطر گذشت زمان طولانی از چاپ اول کتاب، یادداشت‌ها و خصوصاً پیش‌گفتار مؤلف برای چاپ نخست در فرانسه، اطلاعات مفیدی را در اختیار خواننده قرار خواهد داد.

۲. نقدی بر کتاب

پیش از ورود به این بحث لازم است اشاره شود که کاربرد *contemporain* (معاصر) در عنوان اصل کتاب کاملاً به‌جا بوده است؛ زیرا لازار داده‌های خود را از فارسی همان دوران (معاصر آن زمان) برگزیده است. گرچه ممکن است در نسبت دادن برخی واژگان و اصطلاحات به فارسی تهرانی یا معیار آن زمان، بتوان اندک خرده‌هایی گرفت، به هر حال رایج بودن مثال‌ها و اصطلاحات ایشان قابل قبول است. اما ترجمه‌ای که در حال حاضر از این کتاب ارائه می‌شود شاید دستور زبان فارسی باشد و آن هم دستور زبان فارسی در دوره‌ای خاص، یعنی دوران چاپ اثر اصلی؛ ولی دستور معاصر یا کنونی زبان فارسی نیست. همان‌طور که لازار نیز در یادداشت خود بر ترجمه انگلیسی کتاب و به‌صورت ضمنی در یادداشت خود بر ترجمه فارسی کتاب گوشزد می‌کند گذشت زمان تغییراتی بر دستور زبان فارسی یا به عبارتی بر صرف و نحو و آوا و حتی خط فارسی به‌وجود آورده

است؛ بنابراین شاید با کمی اغماض عنوان دستور زبان فارسی معیار برای کتاب مناسب‌تر باشد. چه‌بسا مترجم می‌توانست با رعایت رسم امانت‌داری در ترجمه و مشورت با لازار، عنوان دیگری بر کتاب می‌نهاد. مثال‌هایی که لازار آورده است، بیشتر از آثار محمدعلی جمالزاده، صادق چوبک، علی‌اکبر دهخدا، عبدالرحیم طالبوف، فضل‌الله صبحی و خصوصاً صادق هدایت است. به برخی نویسندگان دیگر همچون علی دشتی، احمد کسروی، مجتبی مینوی و حتی برخی مجلات و روزنامه‌ها نیز ارجاع داده شده است که در مورد ارجاع‌های روزنامه‌ها و مجلات ارجاع درست و دقیقی انجام نگرفته است. نکته‌ای که در مورد انتخاب مثال‌ها از چنین آثاری قابل تأمل است، آشنایی بیشتر غربی‌ها تنها با برخی از نویسندگان فارسی است. به‌عنوان مثال صادق هدایت و صادق چوبک بیشتر از بقیه نویسندگان فارسی برای فرانسویان آشنا هستند و بعید است انتخاب مثال‌ها به‌خاطر نثر خاص آنها باشد. از طرفی نثر چنین نویسندگانی تقریباً به زبان عامیانه یا کوچه‌بازاری آن دوران است که با نثر و گفتار معیار و معاصر فارسی و طبعاً زبان عامیانه فارسی امروز کاملاً فاصله دارد. نه تمامی مثال‌های ارائه شده ولی برخی آنها بیش از حد با فارسی معاصر همان دوران نیز فاصله دارد و شاید برخی از آنها را بتوان به زبان به‌اصطلاح داش‌مشتی‌های آن دوران نسبت داد و نه زبان معاصر یا گویش تهرانی. برای روشن شدن مطلب به نمونه‌های «ظهري: کی زوئیدی؟ (ص ۲۹۸)» و «تیشست تنهایی بر لب جوغ آب. (همان‌جا)» توجه کنید.

البته می‌دانیم که لازار با زبان فارسی و تقسیمات گویشی و لهجه‌ای ایران کاملاً آشنایی دارد و خود نیز در یادداشتش بر ترجمه انگلیسی کتاب که سال‌ها پیش از ترجمه فارسی به چاپ رسیده، اذعان می‌دارد: «اگر امروز بنا بود که این دستور زبان را بنویسم، بی‌شک آنچه می‌نوشتیم دقیقاً همان نبود که چندین سال پیش نوشته‌ام» (ص شانزده). همچنین وی در پیش‌گفتار کتابش درباره مثال‌های ارائه‌شده و انتخاب نمونه‌ها از نویسندگانی خاص و تفاوت‌های گویشی و عامیانه و معاصر زبان فارسی توضیحاتی می‌دهد (خصوصاً ص نوزده) که ایرادهای وارد بر مثال‌های وی را رفع می‌نماید و آگاه بودن و اشراف وی بر زبان فارسی را تأیید می‌کند.

مترجم در سراسر کتاب، واژگان فارسی و صورت آوانگارشان را با خطی مورب از هم جدا کرده است. همان‌طور که می‌دانیم در ثبت آوانگار واژگان از دو خط مورب در طرفین آن استفاده می‌شود تا آن را از الفبای خط آن زبان متمایز کند. حتی صورت آوانگار آواهای فارسی را نیز مانند الفبای انگلیسی یعنی بدون حضور دو خط مورب به‌کار برده است. براین‌اساس بهتر است

مترجم فارسی نیز به پیروی از این رسم زبان‌شناختی و آوانگاری صورت آوانگار واژگان را در بین دو خط مورب قرار دهد. به عنوان مثال «kabutar / کبوتر، kebrit / کبریت، kif / کیف» (ص ۴). بر اساس اصول آوانگاری صورت زیر پیشنهاد می‌شود: «/kabutar/ کبوتر، /kebrit/ کبریت، /kif/ کیف».

در صفحه ۹ در توضیح آوای /ʔ/ (ʔ/) که در الفبای فارسی «ء» یا «ع» نشانگر چنین آوایی است، آمده است، قبل از واکه در جایگاه آغازین و بین دو واکه واج محسوب نمی‌شود، که البته منظور صرفاً همزه بوده است. از طرفی هرگز میلانیان نیز در پانویس همان صفحه نظر نویسنده را به زبانی دیگر تأیید کرده است. اما باید بدانیم که انسدادی چاکنایی آغازین و آوای میانجی یا بهتر بگوییم واج میانجی در زبان فارسی به عنوان واج در نظر گرفته می‌شود و نقش تمایزدهنده و معتبر دارد. در صورتی که در چنین جایگاه‌هایی واج /ʔ/ را ثبت نکنیم در تحلیل ساختار هجایی فارسی با مشکل مواجه خواهیم شد. (برای توضیح بیشتر به فصل همخوان‌های انفجاری ثمره^۱ رجوع کنید) براین اساس صورت‌های آوانگار ثبت شده در توضیح این آوای انسدادی چاکنایی که به صورت «ârezu / آرزو، âšeq / عاشق، ...» آمده است، باید به صورت «ârezu / آرزو، âšeq / عاشق، ...» آوانگاری شود.

از طرفی حرف الفبای «ع» واج کاملی است و همیشه تلفظ می‌شود و در خط آوانگار باید ثبت شود در صورتی که در صفحه ۳۱ واژگان عیب، عیش و عون به صورت /eyb/، /eyš/ و /own/ آوانگاری شده که کاملاً اشتباه است و صورت درست آنها بدین صورت است: /ʔeyb/، /ʔeyš/ و /ʔown/. البته در ترجمه فارسی کتاب از علامت آوانگار /ʔ/ برای ثبت انسدادی چاکنایی بهره گرفته شده است.

در صفحه ۶ در توضیح مثال‌های «vagt / وقت، taqsir / تقصیر» آمده است: «گاه همخوان q پیش از همخوان‌های واکنار مانند همخوان بندشی یا نیمه بندشی بیواک تلفظ می‌شود». اولاً باید همخوان /g/ را هم ذکر می‌کرد و دوم اینکه پیش از همخوان‌های بیواک و نه واکنار، چرا که براساس مثال‌های ذکر شده /q/ و /g/ قبل از آواهای /s/ و /t/ آمده و هردو بیواک است. در ارجاعات کتاب به دیگر بخش‌های آن اشکالاتی دیده می‌شود. برای نمونه:

۱. ثمره، یدالله (۱۳۹۴). *آوانشاسی زبان فارسی (آواها و ساخت آوایی هجا)*. تهران: نشر دانشگاهی.

ردیف	مورد	اشکال
۱	نیز نک. § ۳۲۸ (پایان) (ص ۷۷)	اولاً پُرانتز باید کل ارجاع را در برگرد و دوم اینکه در کتاب بخشی با شماره ۳۲۸ و یا حتی بخشی با عنوان «پایان» نداریم.
۲	درباره‌ی کاربرد حروف اضافه‌ی مرکب، نک. § ۱۷۸ و بعد. (ص ۱۰۲)	در این مورد نیز پُرانتز افتاده است.

بنابر رسم‌الخط مرسوم زمان نگارش متن اصلی، جدانویسی‌های مرسوم امروزی در ترجمه فارسی کتاب نیز رعایت نشده است. به نظر می‌رسد رعایت اصول رسم‌الخط کنونی فارسی در ترجمه کتاب لازم باشد. مخصوصاً در مواردی که به چشم خواننده امروزی کاملاً غریب است: بشوفر (ص ۹۴) (= به شوفر)، بچه‌بغلی (همانجا) (= بچه به‌بغلی)، بملت (ص ۹۵) (= به ملت)، بچه (همانجا) (= به بچه)، ببعد (ص ۹۸) (= به بعد)، بایران (ص ۹۹) (= به ایران).

بخش آخر با عنوان روند شکل‌گیری واژه‌ها در واقع مبحثی صرفی است و قاعدتاً باید در بخش صرف جای می‌گرفت. با اتمام این فصل، کتاب به شکلی ناگهانی و بدون هیچ کتاب‌نامه، نتیجه‌گیری و یا پیشنهادی، همچون اثری ناقص، پایان می‌یابد.

ترجمه کتاب بدون پانویس‌های میلانیان اثری ناقص می‌بود اما برخی از پانویس‌ها ضرورت آنچنانی ندارد و یا نکته‌ای که به آن پانویس داده شده ایرادی به آن وارد نبوده است که در این‌جا چند نمونه از آنها را ذکر می‌کنیم:

- در صفحه‌ی ۲۲ میلانیان در توضیح تبدیل صدای /a/ به /e/ پیش از هجایی که واکه /e/ یا /i/ داشته باشد به مثال تبدیل /rasidan/ رسیدن به *residan* ایراد گرفته است و صورت *residan* را صورتی عادی می‌داند که ارتباطی به بحث ندارد.

- در پانویس صفحه ۱۳ درباره حذف آوای انسدادی چاکنایی در واژه ملعون، حذف را قطعی نمی‌داند که درواقع در زبان گفتاری حذف اتفاق می‌افتد و بیشتر به‌صورت /malun/ به گوش می‌رسد.

- پانویس صفحه ۲۱ از میلانیان نیز مطلب یا نکته خاصی را بر متن نمی‌افزاید.

- پانویس شماره ۲ میلانیان در صفحه ۲۷ نیز ایرادی است بر فرایند کشیدگی واکه‌ها در هجای بسته زبان خودمانی که ایراد به‌جایی نیست.

- در صفحه ۱۶۲ فعل دشواژهای با عنوان (مستهجن) معرفی شده، در صورتی‌که در معرفی

دشوآژه‌ها^۱ در متون از اصطلاح مبتذل استفاده می‌شود.

در پایان لازم است خاطر نشان شود کتاب‌هایی که توسط نویسندگان ایرانی با عنوان دستور فارسی به چاپ رسیده است و می‌رسد بیشتر به صرف و نحو فارسی و خصوصاً نحو می‌پردازد. در صورتی که عنوان دستور در کتاب لازار بیشتر تعبیری زبان‌شناختی دارد و به‌همین‌روی در کتاب وی به نظام آوایی و خط فارسی نیز پرداخته شده است. از این‌جهت کتاب حاضر علاوه بر استفاده دانشجویان و محققان ایرانی، می‌تواند مورد توجه و استفاده زبان‌آموزان فارسی نیز قرار گیرد.

1. taboo words